



## The Relationship between Social Intelligence, Cultural Intelligence and Emotional Intelligence with the Quality of Marital Relationships

### Authors

F. Rostampoor Alashti<sup>1</sup>

A. Khaneh Keshi<sup>2\*</sup>

1. Faculty of Psychology, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Faculty of Psychology, Behbahan Branch, Islamic Azad University, Behbahan, Iran.

### Abstract

The present study aimed to investigate the relationship between social intelligence, cultural intelligence and emotional intelligence with the quality of marital relationships. This study was descriptive with correlation design, and the statistical population of the study were all married female students of Babol Azad University. The sample of the study was 150 people who were selected from among the students of different master's degree courses using the convenience sampling method, and after discarding the distorted questionnaires, finally 140 questionnaires were analyzed. To collect the data, social intelligence (Silvera et al, 2001); cultural intelligence (Ang and Earley, 2004); emotional intelligence (Wang and Lau, 2002), and marital relationship quality (Busby et al, 1995) questionnaires were used. Pearson's correlation test and multiple regression analysis were used to analyze the data. The Pearson's correlation coefficient showed that there is a positive and significant relationship between social intelligence, cultural intelligence and emotional intelligence with the quality of marital relationships. Furthermore, multiple regression analysis showed that 20% of the variance of the quality of marital relationships is explained jointly by the predictor variables, so that social intelligence, emotional intelligence and cultural intelligence positively and significantly predicted the quality of marital relationships respectively. Likewise, almost 32% of the variance of the quality of marital relationships was explained jointly by the components of the predictor variables, so that the components such as the use of emotions, self-perception evaluation, social awareness, regulation of emotions and metacognitive strategy were able to predict the marital relationships positively and significantly. The results of the present study emphasize the importance of social, cultural and emotional intelligence in the quality of marital relationships of married female students.

**Keywords:** Social Intelligence, Cultural Intelligence, Emotional Intelligence, Quality of Marital Relationships.

\***Corresponding Author:** A. Khaneh Keshi. Faculty of Psychology, Behbahan Branch, Islamic Azad University, Behbahan, Iran. Alikh2447@gmail.com

**Citation:** Rostampoor Alashti, Fatemeh, Khaneh Keshi, Ali. (2024). The Relationship between Social Intelligence, Cultural Intelligence and Emotional Intelligence with the Quality of Marital Relationships. Scientific Journal of Social Psychology, 71 (12), 13-25.

Publish Date : 15 May 2024

Accept Date : 05 February 2024

Receive Date : 03 October 2023

## رابطه بین هوش اجتماعی، فرهنگی و هیجانی با کیفیت روابط زناشویی

## نویسندگان

۱. دانشکده روانشناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.  
فاطمه رستم پور آلاشتی<sup>۱</sup>
۲. دانشکده روانشناسی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران.  
علی خانه کشی<sup>۲\*</sup>

## چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، تعیین رابطه ی بین هوش اجتماعی، فرهنگی و هیجانی با کیفیت روابط زناشویی بود. این تحقیق توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد بابل بودند. نمونه پژوهش ۱۵۰ نفر بودند که با روش نمونه گیری هدفمند از میان دانشجویان رشته های مختلف مقطع کارشناسی ارشد انتخاب شدند که بعد از کنار گذاشتن پرسش نامه های مخدوش در نهایت ۱۴۰ پرسش نامه تحلیل شد. برای جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه های هوش اجتماعی سیلورا و همکاران (۲۰۰۱)، هوش فرهنگی آنگ و ارلی (۲۰۰۴)، هوش هیجانی ونگ و لاو (۲۰۰۲) و کیفیت روابط زناشویی باسی و همکاران (۱۹۹۵) استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین هوش اجتماعی، هوش فرهنگی و هوش هیجانی با کیفیت روابط زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد ۲۰ درصد از واریانس کیفیت روابط زناشویی را متغیرهای پیش بین به طور مشترک تبیین می کنند، بطوریکه متغیرهای هوش اجتماعی، هوش هیجانی و هوش فرهنگی به ترتیب به طور مثبت و معنی داری کیفیت روابط زناشویی دانشجویان را پیش بینی کردند. همین طور تقریباً ۳۲ درصد از واریانس کیفیت روابط زناشویی توسط مؤلفه های متغیرهای پیش بین بطور مشترک تبیین شد، بطوریکه مؤلفه های استفاده از احساسات، ارزیابی خود ادراکی، آگاهی اجتماعی، تنظیم احساسات و راهبرد فراشناختی توانستند به ترتیب به طور مثبت و معنی داری کیفیت روابط زناشویی دانشجویان را پیش بینی کنند. نتایج پژوهش حاضر بر اهمیت هوش اجتماعی، فرهنگی و هیجانی در کیفیت روابط زناشویی دانشجویان زن متأهل تأکید می ورزد.

**کلمات کلیدی:** هوش اجتماعی، هوش فرهنگی، هوش هیجانی، کیفیت روابط زناشویی

\*نویسنده مسئول: علی خانه کشی، دانشکده روانشناسی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران. Alikh2447@gmail.com

استناد به این مقاله: رستم پور آلاشتی، فاطمه، خانه کشی، علی. (۱۴۰۳). رابطه بین هوش اجتماعی، فرهنگی و هیجانی با کیفیت روابط زناشویی. نشریه روانشناسی اجتماعی، ۷۱ (۱۲)، ۱۳-۲۵.

## مقدمه

با ورود زنان در عرصه های اجتماعی وعهده دار شدن نقشهایی به جز نقش همسری و والدینی، آنان با نقش های متعددی رو به رو می شوند که ممکن است تعارضات و تنش هایی در آنان ایجاد کند و در نتیجه، سلامت روانی و کیفیت زندگی آنها را تهدید کند و گاهی برعکس، ممکن است به خاطر ورود به جامعه و افزایش تعاملات اجتماعی، تأثیرات مثبتی برای آنها داشته باشد و کیفیت زندگی آنها را بالا ببرد (کریمی و جعفری، ۱۴۰۰). یکی از حیطه های کیفیت زندگی، کیفیت روابط زناشویی<sup>۱</sup> است. کل و اسپایر (۱۹۷۶) کیفیت زناشویی را به عنوان موفقیت و عملکرد یک ازدواج توصیف کرده اند. هرچه کیفیت زناشویی بیشتر باشد ثبات زناشویی هم بیشتر میشود، همچنین کیفیت زناشویی کم، عدم ثبات را افزایش میدهد به این دلیل که احساس عدم خوشبختی یا عدم رضایتمندی از ازدواج، نوعاً افکار و

1. quality of marital relationship

رفتارهای مربوط به طلاق را افزایش میدهد. به نظر می رسد که بزرگترین پیش بین ثبات زناشویی، کیفیت زناشویی است. ازدواج هایی که با کمترین سازگاری، رضایت و خشنودی (مولفه های کیفیت زناشویی) همراه باشند، احتمالاً به طلاق منجر می شوند. اگر فرد از کیفیت زندگی در درون خانواده رضایت داشته باشد این رضایت به بقیه ابعاد زندگی وی نیز انتشار می یابد. افراد رضایتمند در جامعه نیز رفتاری مناسب و شایسته خواهند داشت و مشکلات جامعه کاهش خواهد یافت. بهبود کیفیت زناشویی و شناسایی عواملی که بازتاب مشهود و محسوس در زندگی زناشویی داشته باشد می تواند به ثبات بیشتر زندگی زوجین، تعامل بهتر آنها با یکدیگر، شادی و شادکامی، لذت از زندگی، بهزیستی ذهنی، سلامت روان، سلامت بدنی، زندگی مناسب خانوادگی، زندگی مناسب اجتماعی، تساوی جنسی، امنیت و ثبات منجر شود (عظمتی، ۱۳۹۹؛ نقل از حسامی و ستوده، ۱۴۰۱). در این راستا سال هاست که نظریه پردازان هوش تلاش کرده اند تا احساسات را به حیطة هوش وارد کنند و به نقش هوش در سلامت روان، کیفیت زندگی و کیفیت روابط زناشویی تاکید کنند (آنیمن<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). هرگاه افراد از هوش کافی برخوردار نباشند قدرت شناسایی و مدیریت احساسات خود و دیگران را از دست می دهند که حاصل این فرآیند کاهش آستانه تحمل و افزایش پرخاشگری است که می تواند منجر به تنش های زناشویی و کاهش رضایت و کیفیت زناشویی شود (بهمنی، ۱۳۹۶). یکی از انواع هوش که عامل تعیین کننده در حوزه زناشویی و رضایت زوجین از رابطه زناشویی است هوش اجتماعی<sup>۲</sup> می باشد (عیدی تراکمه، ۱۳۹۸). از نظر اریکمن<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) هوش اجتماعی عبارت است از توانایی داشتن روابط مثبت مداوم با دیگران در هر شرایط محیطی که فرد در آن قرار دارد و از دو مؤلفه آگاهی اجتماعی و تسهیل اجتماعی برخوردار می باشد (کمجیکا<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). از دیدگاه زناشویی نیز هوش اجتماعی توانایی شناخت احساسات دیگری و عمل کردن به طریقی که به آن احساسات شکل می بخشد، است (عیدی تراکمه، ۱۳۹۸). در همین راستا، نتیجه پژوهش کمجیکا و همکاران نشان داد هوش اجتماعی و مؤلفه های آن بطور مثبت و معنی داری با رضایت زناشویی ارتباط دارند. اوبیمکا<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۲) هوش اجتماعی را توانایی خلق روابط موفقیت آمیز و رضایت بخش با دیگران می دانند و در پژوهش خود نشان دادند بین هوش اجتماعی و مؤلفه های آن با رضایت و هماهنگی زناشویی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش طاهری (۱۳۹۷) در شهر شیراز نشان داد بین هوش اجتماعی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. گاتیس<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان دادند که افراد با نمرات بالای هوش اجتماعی نمره های بالاتری برای همدلی و خودکنترلی در ارتباطات صمیمانه و رضایت زناشویی عالی تری دارند و میزان جدایی و طلاق زوجین کمتر است. ارلی و انگ<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) نوع دیگری از هوش را تعریف می کنند که هوش فرهنگی<sup>۸</sup> است. آن ها هوش فرهنگی را قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ های رفتاری صحیح به این الگوها می دانند. کسی که دارای هوش فرهنگی بالایی است این آمادگی را دارد که اختلاف فرهنگی را درک کند و با قدرت در این عرصه که تفاوت های بی شماری دارد، فعالیت کند. بنابراین هوش فرهنگی به افراد کمک می کند به نحو مؤثرتری تفاوت های درون و بین فرهنگی را مدیریت کنند (تان<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴). رضایت از ازدواج متأثر از بافت فرهنگی-اجتماعی جامعه است. ارزشها و باورهای فرهنگی نه تنها دیدگاه افراد را به خودشان بلکه دیدگاه آنها به صمیمیت، عشق، و یک رابطه خوب را نیز شکل می دهد (کمایی و همکاران، ۱۳۹۸). پژوهش ها نشان می دهد هرچه زوجین از هوش فرهنگی بالاتری برخوردار باشند به همان میزان به دلیل درک بهتر تفاوت ها و تشابهات فرهنگی با همسر خود، از قابلیت سازگاری بیشتری نیز بهره مند خواهند بود (حمیدی و دهنوئی، ۱۳۹۲).

1 .Anyamene

2 . social intelligence

3 . Erkman

4 . Kemjika

5 . Obiemeka

6 . Gattis

7 . Early &amp; Ang

8 . cultural intelligence

9 . Tan

استواری (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان رابطه هوش فرهنگی با انسجام خانواده و رضایت از زندگی خانواده‌های مهاجر ایرانی نشان داد که بین هوش فرهنگی خانواده‌های ایرانی با انسجام خانواده رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. همچنین هوش فرهنگی با رضایت از زندگی و رضایت زناشویی رابطه مستقیم معناداری دارد (کوردوا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۵؛ فزونی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۶).

از سوی دیگر باید گفت زندگی زناشویی بافتی سرشار از عاطفه و هیجان است؛ خانواده و زندگی زناشویی، واحدی عاطفی است (کامومی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). سالووی و مایر<sup>۴</sup> (۱۹۹۰) هوش هیجانی<sup>۵</sup> را توانایی کنترل احساس‌ها و هیجان‌های خویش و دیگران، تشخیص احساس‌ها و هیجان‌ها در خود و دیگران و استفاده از این داده برای هدایت تفکر و اقدام‌های خود فرد تعریف کرده‌اند. هرگونه نقص در هوش هیجانی می‌تواند صدماتی را به بار آورد و در زندگی زناشویی و تربیت فرزندان یا حتی وضعیت جسمانی فرد مشکلاتی را ایجاد کند (گلن، ۱۹۹۵؛ نقل از نیکنام و تاج، ۱۳۹۸). زوجین با استفاده از مهارت‌های هوش هیجانی قادر خواهند بود بر عوامل استرس‌زای زندگی خود غلبه کنند و به رضایت زناشویی بیشتری برسند (شاه‌نوش فروشانی و همکاران، ۱۴۰۱). هوش هیجانی بالاتر منجر به مدیریت بهتر اختلاف‌نظرها، تعارضات کمتر در زوجین و رضایت بیشتر رابطه می‌شود (کومبورسکا<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). ظریفی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری پردازش بین‌فردی نشان دادند که بین هوش هیجانی و تعهد زناشویی ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. رحمانی ایرانشاهی (۱۴۰۳) نشان داد بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد، بطوریکه ۳۰ درصد از واریانس رضایت زناشویی را مؤلفه‌های هوش هیجانی تبیین می‌کند. شاطری و هاشمی (۱۴۰۲)، آهنگر دربند<sup>۷</sup> (۲۰۲۲)، فرسول و سونی<sup>۸</sup> (۲۰۲۳)، آیینم (۲۰۲۰) و زیدنر<sup>۹</sup> (۲۰۱۳) دریافتند توانمندی زوجین در تنظیم هیجانات (هوش هیجانی) نقش اساسی در افزایش رضایت زناشویی دارد. کوردوا<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند که مهارت‌های عاطفی و اجتماعی در حفظ سازگاری زناشویی نقش مهمی ایفا می‌کند.

به رغم پژوهش‌های بسیار در زمینه‌ی کیفیت زندگی زناشویی در کشورهای غربی، در ایران به میزان کمی به این موضوع پرداخته شده است (هوشیار و همکاران، ۲۰۱۵). به عنوان مثال، تاکنون بیشتر تحقیقاتی که در زمینه‌ی هوش فرهنگی انجام شده در خصوص اسنادهای شغلی بوده است (حمیدی و دهنوئی، ۱۳۹۲). حال با توجه به منابع علمی موجود مبتنی بر تاثیر عامل هوش در سازگاری زناشویی و کیفیت روابط زوجین، محدودیت منابع پژوهشی در زمینه‌ی هوش اجتماعی و هوش فرهنگی و به میزان کمتری هوش هیجانی و رابطه‌ی آن‌ها با کیفیت روابط زناشویی احساس می‌شود. از فواید انجام این تحقیق این است که هم به دامنه دانش موجود در این زمینه می‌افزاید و نیز انجام این تحقیق می‌تواند ما را در شناسایی رابطه‌ی متغیرهای مرتبط با کیفیت روابط زناشویی و نیز پیشگیری از رخدادهایی مثل طلاق و کاهش پیامدهای ناشی از پایین بودن کیفیت روابط زناشویی یاری دهد. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این سوال بود که آیا هوش اجتماعی، هوش فرهنگی و هوش هیجانی با کیفیت روابط زناشویی رابطه دارند؟

1. Cordova
2. Ghazvini
3. Camomoe
4. Salovey & Mayer
5. emotional intelligence
6. Komborska
7. Ahangar Darband
8. Farsole & Soni
9. Zidner
10. Cordova

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت اجرا توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان زن متأهل مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تشکیل می‌دهد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول تعیین حجم نمونه تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۷) مبنی بر هشت برابر مولفه‌های متغیرهای پیش بین + ۵۰ استفاده شد. بنابراین، در پژوهش حاضر با توجه به ۱۱ مولفه (۳ مولفه هوش اجتماعی، ۴ مولفه هوش فرهنگی و ۴ مولفه هوش هیجانی) حجم نمونه ۱۳۸ نفر برآورد شد ( $n=8 \times 50 + 11 = 138$ ) که با بیش برآورد احتمالی ریزش پرسشنامه‌ها، ۱۵۰ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند که از میان آنان ۱۰ پرسشنامه به جهت کامل نبودن و استفاده از پاسخ‌های یکسان برای تمام سوالات کنار گذاشته شدند و در نهایت ۱۴۰ پرسشنامه تحلیل شد. پیش از اجرای آزمون اطلاعاتی درباره‌ی موضوع و هدف پژوهش و نیز محرمانه ماندن اطلاعات به شرکت کنندگان ارائه شد، لذا شرکت کنندگان همکاری کرده و پرسشنامه‌ها را پاسخ دادند. سپس پژوهشگر در تعامل نزدیک با شرکت کنندگان بوده، به ابهام و اشکال‌های احتمالی پاسخ می‌داد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها داده‌های جمع‌آوری شده پس از کدگذاری برای تحلیل وارد نرم افزار SPSS-26 شد.

### ابزارهای پژوهش

**پرسشنامه هوش اجتماعی سیلورا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۱)** حوزه‌های هوش اجتماعی یعنی پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی را می‌سنجد و از ۲۱ گویه تشکیل شده است. در این پرسشنامه از پاسخ دهندگان خواسته می‌شود تا عقاید خودشان درباره‌ی هر گویه را بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ی مشخص کنند. در سوالات ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹ برای گزینه‌ی خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد و خیلی زیاد به ترتیب نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ منظور شده است و بقیه‌ی گویه‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. حداقل نمره‌ی گویه‌ها برابر ۲۱ و حداکثر آن برابر ۱۴۷ می‌باشد. مارتین یوسن و داهل (۲۰۰۱) ضرایب پایایی آن‌ها را برای خرده مقیاس‌های پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی، ۰/۸۶/۸۱، ۰/۷۹ و ۰/۸۳ برآورد کرده‌اند.

**پرسشنامه هوش فرهنگی:** این پرسشنامه توسط آنگ و ارلی<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۴ ساخته شد و دارای ۲۰ سوال بوده و هدف آن ارزیابی هوش فرهنگی و ابعاد آن (راهبرد یا فراشناخت، دانش یا شناخت، انگیزشی، رفتاری) می‌باشد. آزمودنی خودش به این ۲۰ سوال پاسخ می‌دهد. عبارت ۱ تا ۴ مربوط به عامل راهبردی یا فراشناختی هوش فرهنگی است. از عبارات ۵ تا ۱۱ مربوط به عامل دانشی یا شناختی هوش فرهنگی است. عبارات ۱۱ تا ۱۴ مربوط به عامل انگیزشی هوش فرهنگی است. عبارات ۱۶ تا ۲۰ مربوط به عامل رفتاری هوش فرهنگی است. پاسخ به عبارات این پرسشنامه به صورت ۷ گزینه‌ای است که از کاملاً موافق (۷ امتیاز) تا کاملاً مخالف (۱ امتیاز) طرح شده است. امتیازهای عبارات با هم جمع می‌شود. دامنه کلی نمرات از ۱۴۰-۲۰ می‌باشد. در پژوهش قدم پور و همکاران (۱۳۹۰) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۵ گزارش شده است.

**پرسشنامه سنجش هوش هیجانی ونگ و لاو<sup>۳</sup> (۲۰۰۲):** از این پرسشنامه به منظور سنجش هوش هیجانی استفاده می‌شود. این پرسشنامه شامل ۱۶ سوال در ۴ بعد ارزیابی خود عاطفی یا خود احساسی (۴ تا ۱)، ارزیابی عواطف دیگری (۵ تا ۸)، بکارگیری عواطف (۹ تا ۱۲) و تنظیم عواطف (۱۳ تا ۱۶) می‌باشد. سوالات براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری شده است. حد پایین نمرات ۳۳، حد متوسط نمرات

1. Silvera

2. Ang & Early

3. Law

۱۰۰ و حد بالای نمرات ۱۶۵ است. آلفای کرونباخ به دست آمده بالای ۰/۷۰ می‌باشد. منصوری (۱۳۸۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود میزان هماهنگی درونی این مقیاس را از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ بدست آورده است.

**پرسشنامه کیفیت روابط زناشویی:** فرم تجدیدنظر شده توسط باسی<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۵) ساخته شده است که به منظور سنجش میزان کیفیت روابط زناشویی به کار می‌رود. این پرسشنامه از ۱۴ گویه و ۳ خرده مقیاس توافق (۶سوال)، رضایت (۵سوال) و انسجام (۳سوال) تشکیل شده است که در مجموع کیفیت زناشویی رو نشان می‌دهند. نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیفه لیکرت ۶نقطه‌ای (همیشه اختلاف داریم=صفر و توافق دائم داریم=۵) می‌باشد. حد پایین نمرات ۰، حد متوسط نمرات ۳۵ و حد بالای نمرات ۷۰ است پایایی پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ در مطالعه هولیست و همکاران (۲۰۰۵) برای سه خرده مقیاس توافق، رضایت، انسجام به ترتیب از ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۹۰ گزارش شده است. در پژوهش یوسفی (۱۳۹۰)، ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف پرسشنامه در کل نمونه برای ۱۴ ماده و عامل‌های چهارگانه استخراج شده، به تفکیک جنس رضایت بخش و بالا بوده (بالای ۰/۷۰) که حاکی از همگونی و همسانی ماده‌های پرسشنامه هستند. ضرایب پایایی پرسشنامه‌های تحقیق در پژوهش حاضر از طریق آلفای کرونباخ برای کیفیت روابط زناشویی با ۱۴ اitem برابر با ۰/۶۶۷ (قابل قبول)؛ هوش اجتماعی با ۲۱ اitem ۰/۷۵۱، هوش فرهنگی با ۲۰ اitem ۰/۷۳۶ و هوش هیجانی با ۱۶ اitem ۰/۸۲۰ به دست آمد که همگی مطلوب می‌باشند.

#### یافته‌ها

میانگین سنی دانشجویان مورد مطالعه برابر با ۲۸ سال، حداقل سن ۲۴ سال و حداکثر سن ۵۰ سال بوده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرها و مؤلفه‌های آنها (n=۱۴۰)

| شاخص‌ها                | میانگین | انحراف معیار | حداقل نمره | حداکثر نمره |
|------------------------|---------|--------------|------------|-------------|
| کیفیت روابط زناشویی    | ۵۰/۹۸   | ۱۰/۲۹        | ۲۲         | ۹۸          |
| هوش اجتماعی            | ۷۴/۴۳   | ۸/۸۶         | ۵۶         | ۹۵          |
| پردازش اطلاعات         | ۲۳/۹۴   | ۴/۵۱         | ۱۲         | ۳۳          |
| مهارت اجتماعی          | ۲۶/۸۴   | ۳/۸۷         | ۱۵         | ۳۵          |
| آگاهی اجتماعی          | ۲۳/۶۵   | ۴/۲۸         | ۱۳         | ۳۴          |
| هوش فرهنگی             | ۶۹/۲۰   | ۸/۳۸         | ۴۳         | ۹۲          |
| راهبرد فراشناختی       | ۱۵/۰۲   | ۲/۵۷         | ۱۰         | ۲۲          |
| دانش (شناخت)           | ۱۹/۲۰   | ۴/۱۴         | ۸          | ۲۸          |
| راهبرد انگیزشی         | ۱۸/۰۹   | ۳/۲۹         | ۶          | ۲۵          |
| راهبرد رفتاری          | ۱۶/۷۹   | ۳/۶۵         | ۸          | ۲۵          |
| هوش هیجانی             | ۵۷/۲۸   | ۸/۶۶         | ۲۸         | ۷۶          |
| ارزیابی خوددراکی       | ۱۴/۹۳   | ۳/۲۳         | ۴          | ۲۰          |
| استفاده از احساسات     | ۱۵/۷۴   | ۲/۷۳         | ۵          | ۲۰          |
| ارزیابی احساسات دیگران | ۱۴/۶۲   | ۳/۰۱         | ۵          | ۲۰          |
| تنظیم احساسات          | ۱۱/۹۶   | ۳/۶۷         | ۴          | ۲۰          |

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار کیفیت روابط زناشویی به ترتیب برابر با  $۵۰/۹۸ \pm ۱۰/۲۹$ ؛ هوش اجتماعی به ترتیب برابر با  $۷۴/۴۳ \pm ۸/۸۶$ ؛ هوش فرهنگی به ترتیب برابر با  $۶۹/۲۰ \pm ۸/۳۸$  و هوش هیجانی برابر با  $۵۷/۲۸ \pm ۸/۶۶$  می‌باشد.

با توجه به این که مقادیر کجی و کشیدگی متغیرها در فاصله ۲ و ۲- قرار دارد نرمال بودن توزیع داده‌ها تأیید می‌گردد. همینطور، با توجه به نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف مندرج در جدول فوق مقدار سطح معناداری آزمون k-S برای تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ به دست آمد و در نتیجه فرض نرمال بودن متغیرها تأیید می‌شود. لذا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود.

جدول ۲: ضریب همبستگی پیرسون بین هوش اجتماعی، هوش فرهنگی، هوش هیجانی و مؤلفه‌های آنها با کیفیت روابط زناشویی

| پیش بین‌ها                | ملاک                | ضریب همبستگی | سطح معنی داری |
|---------------------------|---------------------|--------------|---------------|
| هوش اجتماعی               | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۴۰۲        | ۰/۰۰۱**       |
| پردازش اطلاعات            | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۲۸۰        | ۰/۰۰۱**       |
| مهارت اجتماعی             | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۲۰۴        | ۰/۰۱۵*        |
| آگاهی اجتماعی             | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۳۵۲        | ۰/۰۰۱**       |
| هوش فرهنگی                | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۱۹۴        | ۰/۰۲۲*        |
| راهبرد فراشناختی          | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۲۵۵        | ۰/۰۰۲**       |
| شناخت (دانش)              | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۰۱۶        | ۰/۸۴۷         |
| راهبرد انگیزشی            | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۱۸۵        | ۰/۰۲۹*        |
| راهبرد رفتاری             | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۰۹۱        | ۰/۲۸۶         |
| هوش هیجانی                | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۴۱۲        | ۰/۰۰۱**       |
| ارزیابی خودادراکی         | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۲۲۵        | ۰/۰۰۸**       |
| استاده از احساسات         | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۴۱۷        | ۰/۰۰۱**       |
| استفاده از احساسات دیگران | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۲۶۶        | ۰/۰۰۲**       |
| تنظیم احساسات             | کیفیت روابط زناشویی | ۰/۲۴۵        | ۰/۰۰۳**       |

$p < 0.01^{**}$ ;  $p < 0.05$

ضریب همبستگی پیرسون بین هوش اجتماعی و کیفیت روابط زناشویی برابر با  $r = 0.402$  می‌باشد که از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد ( $p < 0.01$ ). همینطور، همبستگی بین تمام مؤلفه‌های هوش اجتماعی با کیفیت روابط زناشویی نیز از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد، بطوریکه بالاترین ضریب همبستگی مربوط به مؤلفه آگاهی اجتماعی ( $r = 0.352$ ) می‌باشد. بنابراین، هرچه هوش اجتماعی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان متاهل قوی تر باشد از کیفیت روابط زناشویی بهتری برخوردار خواهند بود و برعکس.

همینطور، ضریب همبستگی پیرسون بین هوش فرهنگی با کیفیت روابط زناشویی برابر با  $r = 0.194$  می‌باشد که از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد ( $p < 0.05$ ). این نتیجه حاکی از آن است که برخورداری بیشتر از هوش فرهنگی با کیفیت روابط زناشویی مطلوب تری همراه خواهد بود و برعکس. از طرفی، از بین مؤلفه‌های هوش فرهنگی فقط ضریب همبستگی بین راهبرد فراشناختی ( $r = 0.255$ ) و راهبرد انگیزشی ( $r = 0.185$ ) با کیفیت روابط زناشویی از نظر آماری معنی دار بود ( $p < 0.05$ ).

ضریب همبستگی پیرسون بین هوش هیجانی و کیفیت روابط زناشویی برابر با  $r = 0.412$  می‌باشد که از لحاظ آماری معنی دار است ( $p < 0.01$ ). همینطور، همبستگی بین تمام مؤلفه‌های هوش هیجانی با کیفیت روابط زناشویی از نظر آماری معنی دار می‌باشد، بطوریکه استفاده از احساسات  $r = 0.417$  بالاترین میزان همبستگی با متغیر ملاک را دار می‌باشد ( $p < 0.01$ ). همبستگی مثبت میان متغیرها مبین آن است که هرچه هوش هیجانی بالاتر باشد، روابط زناشویی دانشجویان از کیفیت بیشتری برخوردار خواهد بود و برعکس.

جهت تعیین همبستگی چندگانه میان متغیرها، یا تعیین سهم هوش اجتماعی، هوش فرهنگی و هوش هیجانی در پیش بینی کیفیت روابط زناشویی دانشجویان، متغیرهای هوش اجتماعی، هوش فرهنگی و هوش هیجانی به عنوان متغیرهای پیش بین و کیفیت روابط زناشویی به عنوان متغیر ملاک به طور همزمان با روش ورود مکرر وارد معادله رگرسیون شدند که نتایج حاصله در جداول ۳ و ۴ ارایه شده است.

جدول ۳. خلاصه رگرسیون کیفیت روابط زناشویی روی متغیرهای پیش بین

| مدل          | ضریب همبستگی R | ضریب تعیین R <sup>2</sup> | ضریب تعیین تعدیل شده | خطای معیار برآورد SEE | آماره F    | سطح معناداری |
|--------------|----------------|---------------------------|----------------------|-----------------------|------------|--------------|
| ۱            | ۰/۴۶۶          | ۰/۲۱۷                     | ۰/۲۰۰                | ۹/۲۰                  | ۱۲/۵۹      | ۰/۰۰۱        |
| $\Delta R^2$ |                |                           |                      |                       |            |              |
|              |                |                           |                      |                       | df=۳ و ۱۳۶ |              |

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرها برابر با ۰/۴۶۶ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۲۰۰ می‌باشد که حاکی از آن است که ۲۰ درصد از واریانس کیفیت روابط زناشویی را متغیرهای پیش بین بطور مشترک تبیین می‌کنند. f به دست آمده حاکی از آن است که ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرها و همینطور رگرسیون کیفیت روابط زناشویی روی متغیرهای پیش بین از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد ( $F(۳,۱۳۶)=۱۲/۵۹; p<۰/۰۱$ ) به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت که هوش اجتماعی، هوش فرهنگی و هوش هیجانی قابلیت پیش بینی کیفیت روابط زناشویی دانشجویان را بطور معنی داری دارند.

جدول ۴. خلاصه ضرایب رگرسیونی

| سطح معناداری | آماره t | ضرایب استاندارد |            | ضرایب غیراستاندارد B | (عدد ثابت)  |
|--------------|---------|-----------------|------------|----------------------|-------------|
|              |         | Beta            | خطای معیار |                      |             |
| ۰/۷۱۹        | ۰/۳۶۱   | -               | ۸/۹۹       | ۳/۲۴                 |             |
| ۰/۰۱۱        | ۲/۵۸    | ۰/۲۵۶           | ۰/۱۱۵      | ۰/۲۹۷                | هوش اجتماعی |
| ۰/۱۱۱        | ۱/۵۰    | ۰/۱۲۷           | ۰/۰۹۷      | ۰/۱۵۵                | هوش فرهنگی  |
| ۰/۰۳۴        | ۲/۱۴    | ۰/۲۱۸           | ۰/۱۲۱      | ۰/۲۵۹                | هوش هیجانی  |

همان طور که ملاحظه می‌شود، هوش اجتماعی با بیشترین میزان بتا ( $\beta=۰/۲۵۶; t=۲/۵۸; p<۰/۰۵$ ) و پس از آن هوش هیجانی ( $\beta=۰/۲۱۸; t=۲/۱۴; p<۰/۰۵$ ) به ترتیب بطور مثبت و معنی داری قابلیت پیش بینی کیفیت روابط زناشویی دانشجویان را دارا می‌باشند.

همینطور سهم مؤلفه‌های متغیرهای پیش بین در پیش بینی کیفیت روابط زناشویی نیز بررسی شد. نتایج نشان داد، ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرها برابر با ۰/۵۶۲ و ضریب تعیین برابر با ۰/۳۱۸ می‌باشد که حاکی از آن است که تقریباً ۳۲ درصد از واریانس کیفیت روابط زناشویی را مؤلفه‌های متغیرهای پیش بین بطور مشترک تبیین می‌کنند. همینطور، مقدار f به دست آمده حاکی از آن است که ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرها و همینطور رگرسیون کیفیت روابط زناشویی روی مؤلفه‌های متغیرهای پیش بین از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد ( $F(۱۱,۱۲۸)=۵/۳۸; p<۰/۰۱$ ). همینطور نتایج حاکی از آن است، استفاده از احساسات (مؤلفه هوش هیجانی) با بیشترین میزان بتا ( $\beta=۰/۲۸۸; t=۳/۱۱; p<۰/۰۱$ ) بهترین متغیر پیش بینی کننده کیفیت روابط زناشویی بطور مثبت و معنی دار است و پس از آن ارزیابی خود ادراکی (مؤلفه هوش هیجانی) ( $\beta=۰/۲۵۸; t=۲/۳۸; p<۰/۰۵$ ); آگاهی اجتماعی (مؤلفه هوش اجتماعی) ( $\beta=۰/۲۴۰; t=۲/۵۹; p<۰/۰۵$ ), تنظیم احساسات (مؤلفه هوش هیجانی) ( $\beta=۰/۱۷۴; t=۲/۰۹; p<۰/۰۵$ ) و راهبرد فراشناختی (مؤلفه هوش فرهنگی) ( $\beta=۰/۱۵۳; t=۲/۰۱; p<۰/۰۵$ ) نیز به ترتیب بطور مثبت و معنی داری قابلیت پیش بینی کیفیت روابط زناشویی دانشجویان را دارا می‌باشند.



### بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش تعیین رابطه هوش اجتماعی، هوش فرهنگی و هوش هیجانی با کیفیت روابط زناشویی بود. نتایج نشان داد که رابطه ی بین هوش اجتماعی و کیفیت روابط زناشویی از لحاظ آماری معنی دار می باشد. همین طور، همبستگی بین تمام مؤلفه های هوش اجتماعی با کیفیت روابط زناشویی نیز از لحاظ آماری معنی دار می باشد. این نتیجه حاکی از آن است که هرچه هوش اجتماعی و مؤلفه های آن در دانشجویان متاهل قوی تر باشد از کیفیت روابط زناشویی بهتری برخوردار خواهند بود و برعکس. این یافته با نتایج تحقیق های عیدی تراکمه (۱۳۹۸)، طاهری (۱۳۹۷)، کوردوا و همکاران (۲۰۱۵)، گاتیس و همکاران (۲۰۱۴)، اوبیمکا و همکاران (۲۰۲۲) و کمجیکا و همکاران (۲۰۲۰) همسو می باشد.

در تبیین این یافته می توان گفت افرادی که دارای هوش اجتماعی بالایی هستند به دلیل شناخت احساسات دیگران، توانایی برقرار کردن ارتباط و حل مسائل و اختلافات در زندگی زناشویی بهتر می توانند با همسر خود ارتباط برقرار کنند. هوش اجتماعی را می توان به عنوان توانایی شناخت خود در حضور دیگران دانست که خودآگاهی و رشد هویت، برای طرفین قابلیت شخص در جهت صمیمیت، بسیار لازم می باشد. مفهوم پردازی رایج از هوش اجتماعی، سطح نزدیکی همسر، به اشتراک گذاری ارزش ها و ایده ها، فعالیت های مشترک، روابط جنسی، شناخت از همدیگر و رفتارهای عاطفی مانند نوازش کردن است. فردی که میزان هوش اجتماعی بالاتری را تجربه می کند می تواند خود را به شیوه مطلوب تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی می تواند در زوج هایی که میزان هوش اجتماعی بالاتری دارند، بیشتر باشد یا به بیان دیگر، زوج هایی که هوش اجتماعی بالاتری را دارا هستند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود، داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (اسمیت<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۸).

در تبیین دیگری در این زمینه مشخص شد که زوج ها تنها هنگامی از رابطه ی زناشویی خود راضی هستند و احساس صمیمیت می کنند که بازده و سودی را که از رابطه به دست آورده اند، قابل مقایسه با بازده هایی بدانند که شریک زندگی شان کسب کرده است و دارای هوش اجتماعی بالاتری در روابط خود هستند. بر اساس نظریه برابری، زوج هایی که بازده بیشتری در رابطه به دست می آورند، به دلیل احساس گناه و زوج هایی که احساس می کنند کمتر از دیگری سود برده اند، به دلیل احساس خشم و نداشتن ارتباطات اجتماعی مثبت، قادر نیستند با شریک زندگی شان صمیمی شوند و تنها در صورت روابط برابر است که صمیمیت بین زوجین شکل می گیرد. از طرفی عدم رضایت و صمیمیت زوجین، میزان طلاق را در زوجین افزایش می دهد (گاتیس و همکاران، ۲۰۱۴). اسمیت و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی در مورد ۴۵ زوج نشان دادند که هوش اجتماعی علاوه بر اینکه عامل مؤثری بر میزان رضایت زناشویی است در پیگیری یک ساله این زوج ها نشان داده شد که هوش اجتماعی همچنان اثر نیرومندی بر رضایت زناشویی داشته است. ثورندایک بر این باور بود که زندگی و زیستن، در ارتباط با دیگران و به وسیله ی آن ها شکل می گیرد و از آن ها اثر می پذیرد. فرد در این دایره روابط می تواند با کسب مهارت های اجتماعی هیجانات خود را مدیریت و مهار کند از این رو می توان گفت هوش اجتماعی از نظر ثورندایک یک مهارت است. به طور کلی هوش اجتماعی قابلیت تفاهم و مدیریت مردان و زنان می باشد (پیروز و فقیه عبداللهی، ۱۳۹۵). همچنین، یافته های پژوهش نشان داد که رابطه ی بین هوش فرهنگی با کیفیت روابط زناشویی از لحاظ آماری معنی دار می باشد. این یافته با نتایج تحقیق های استواری (۱۳۹۷)، طاهری (۱۳۹۷)، حمیدی و دهنوبی (۱۳۹۲)، قزوینی و همکاران (۲۰۱۶) همسو می باشد.

در تبیین این یافته می توان گفت که ساختار هوش فرهنگی به عنوان عاملی مهم و مثبت در سازگاری، تأکید بر پذیرش و هم فهمی در زمینه تفاوت ها می باشد. زوجین و اعضای خانواده ناگزیر از تعارض و اختلاف نظر

هستند به طوری که همسران مدتی پس از شروع زندگی، تفاوت‌های خود در انتظارات و نیازها را بروز می‌دهند، تفاوت‌هایی که همسو شدن با یکدیگر را سخت می‌کند. در این مرحله افراد احساس می‌کنند همسرشان آن طوری که آن‌ها فکر کرده بودند نیستند و یکدیگر را به انعطاف ناپذیری متهم می‌کنند (جاویدی و همکاران، ۱۳۹۲). در زندگی زناشویی، عوامل همراهی و آمیزش عاطفی از هوش فرهنگی تاثیر زیادی می‌پذیرد، زیرا تا فرد توانایی پذیرش و درک تفاوت‌ها را نداشته باشد، قادر نیست همراهی و آمیزش عاطفی مؤثری داشته باشد. به عبارت دیگر هوش فرهنگی پیش نیاز همراهی عاطفی تصور می‌شود (گل محمدیان، ۱۳۹۵). در راستای تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت هوش فرهنگی متغیر مهمی در زندگی فردی و خانوادگی است. تقویت هوش فرهنگی به عنوان مولفه ای مهم و مثبت در سازگاری می‌تواند موثر واقع شود. باید به نقش هوش فرهنگی در روابط روزمره و سازگاری یا عدم سازگاری افراد در موقعیت‌های اجتماعی و فردی توجه کرد. تقویت این هوش می‌تواند بر اثر بخشی افراد در موقعیت‌های مختلف به خصوص روابط بین اعضای خانواده و زوجین موثر باشد. بنابراین زنانی که این آموزش را دریافت کرده اند به دلیل تقویت هوش فرهنگی از مزایای آن از جمله آگاهی از نقاط قوت و ضعف هوش فرهنگی خود، توسعه شخصی و بازخورد (پرسش از دیگران برای ارزیابی هوش فرهنگی خود) برخوردار شده اند. در نتیجه آگاهی از نقاط قوت‌های همسر و ضعف خود سوء تفاهم‌ها را کاهش می‌دهد و فرد می‌تواند با استفاده از باز خورد ها و دیدگاه‌های دیگران تعاملات موفق و اثر بخشی را شکل دهد (گل محمدیان و همکاران، ۱۳۹۲).

یافته های پژوهش گویای این بود که رابطه ی بین هوش هیجانی و کیفیت روابط زناشویی از لحاظ آماری معنی دار است. همینطور، همبستگی بین تمام مؤلفه‌های هوش هیجانی با کیفیت روابط زناشویی از نظر آماری معنی دار می‌باشد این یافته با نتایج تحقیق‌های پیشینه نظیر ظریفی و همکاران (۱۳۹۹)، نیکنام و تاج (۱۳۹۸)، دست باز (۱۳۹۷)، زیدنر و همکاران (۲۰۱۳)، شاه نوش فروشانی (۱۴۰۱)، رحمانی ایرانی‌شاهی (۱۴۰۲)، شاطری و هاشمی (۱۴۰۲)، انیمن (۲۰۲۰)، فرسول و سونی (۲۰۲۳) و اهنگر دربند (۲۰۲۲) همسو می‌باشد. هوش هیجانی از پنج مولفه به نام‌های مهارت درون فردی، مهارت بین فردی، سازگاری، کنترل استرس و خلق عمومی تشکیل شده است. در مولفه درون فردی فرد با داشتن خود آگاهی نسبت به هیجان و احساساتش، سعی در کنترل و بروز به موقع هیجان‌اتش دارد و در نتیجه می‌تواند رابطه‌ی بهتر و صمیمانه تری با دیگران داشته باشد. و این افزایش صمیمیت موجب ارتقا کیفیت زندگی زناشویی فرد می‌شود. فرد با داشتن مهارت بین فردی برای ارتباط با دیگران با همدلی، حساس بودن به نیازها و احساسات دیگران و مسئولیت پذیری می‌تواند رابطه‌ی صمیمانه ای با همسرش داشته باشد. این هوش به آن‌ها کمک می‌کند که به افکار و احساسات خود معنی ببخشند و همچنین روابط خود با همسر خود را بهبود داده و صمیمیت بیشتری را تجربه می‌کنند که به طبع این امر موجب بهبود کیفیت زندگی فرد می‌شود. فردی که هوش هیجانی بالایی دارد با سازگار بودن و مدیریت تنش و استرس‌ها و داشتن خلق مثبت، آرامش و صمیمیت بیشتری با همسرش تجربه می‌کند که نتیجه آن چیزی جز رضایت و خشنودی از زندگی زناشویی نیست (قمری، ۱۳۹۴). از طرفی باید توجه داشت که جزء مهمی از رضایت زناشویی، آگاهی فرد از هیجان‌ات همسرش و احترام به آن هیجان‌ات است و رابطه عاطفی نقش مؤثر و مهمی در برقراری رابطه زناشویی دارد. به میزانی که دو نفر یکدیگر را دوست دارند و رابطه عاطفی نیرومندی را تجربه می‌کنند، می‌توانند از رابطه زناشویی هم لذت بیشتری ببرند. تفاوت بین افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند و افرادی که هوش هیجانی متوسط دارند این است که افرادی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند خیلی خوب بر حرکات خود مسلط هستند و با به کار بردن هریک از حرکات به هدف خود می‌رسند و ابراز عواطف بخشی از هوش هیجانی افراد است (امیدی و بختیارپور، ۱۳۹۴). کمبود تحقیقات معتبر در زمینه این موضوع و زیاد بودن تعداد پرسشنامه‌ها که به طولانی شدن زمان اجرای آن انجامید که بر مقدار دقت پاسخ‌های شرکت کنندگان بی تاثیر نبوده است، از جمله محدودیت‌های پژوهش بود. این تحقیق محدود به جنسیت زن بوده است و توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی، از نمونه‌های با جنسیت مذکر و یا زوجین بطور همزمان استفاده شود. تکرار پژوهش‌های مشابه

می تواند صحت پژوهش حاضر را محک بزند و دامنه‌ی تعمیم پذیری آنان را افزایش دهد. براساس نتیجه حاصل از فرضیه‌ها و اهمیت هوش اجتماعی، هوش فرهنگی و هوش هیجانی در کیفیت روابط زناشویی به مسئولان اداره بهداشتی، جامعه روان شناسان و تمامی مسئولان ذیصلاح پیشنهاد می شود از طریق ارتقاء و کارآمد کردن این توانایی ها تا حدودی مشکلات و ناهمسازی زوج ها را حل کرده و از این طریق گامی جهت کاهش اثرات مخرب ناشی از پایین بودن کیفیت روابط زناشویی و تحکیم بنیان خانواده گردند. همچنین پیشنهاد می شود این آموزش ها در تمامی سطوح پیش از ازدواج، هنگام ازدواج و پس از ازدواج اجرا شود.

## منابع

- استواری، شهربانو. (۱۳۹۷). رابطه هوش فرهنگی با انسجام خانواده و رضایت از زندگی خانواده‌های مهاجر ایرانی. *پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد واحد مرودشت*.
- امیدی، فریناز و بختیارپور، سعید. (۱۳۹۴). بررسی رابطه‌ی هوش‌های معنوی، شناختی و هیجانی با رضایت زناشویی دانشجویان. *اولین کنگره ملی خانواده سالم، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۲۷ آبان*.
- بهمنی، لیلیا. (۱۳۹۶). رابطه هوش عمومی با رضایت زناشویی زوجین با نقش واسطه گری هوش اخلاقی. *پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت*.
- پیروز، غلامرضا و فقیه عبداللهی، مریم. (۱۳۹۵). بررسی هوش اجتماعی و مؤلفه‌های آن در محتوای کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، *مجله مطالعات ادبیات کودک، ۱۷(۱)، ۱-۲۴*.
- جاویدی، نصرالدین؛ سلیمانی، علی اکبر؛ احمدی، خدابخش و صمدزاده، منا. (۱۳۹۲). اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر بهبود عملکرد خانواده. *مجله علوم رفتاری، ۷(۲)، ۱۸۸-۱۸۱*.
- حسامی، شبنم و ستوده‌ف فاطمه. (۱۴۰۱). تاثیر آموزش غنیسازی رابطه زناشویی به شیوه اولسون بر کیفیت زندگی زناشویی زوجین. *فصلنامه ایده های نوین روانشناسی، ۱۵(۱۹)، ۴۴-۵۵*.
- حمیدی، فریده و دهنوئی، الهام. (۱۳۹۲). بررسی مقایسه‌های هوش فرهنگی و رضایتمندی زناشویی دانشجویان متأهل دبیری. *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۷(۲۲)، ۸۱-۶۲*.
- دست باز، طاهره. (۱۳۹۷). *پیش بینی کیفیت رابطه زناشویی بر اساس نقش‌های جنسیتی و هوش هیجانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- رحمانی ایرانشاهی، معصومه. (۱۴۰۳). بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی. *بیست و دومین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی، استان مازندران، ۳۰ ام فروردین*.
- شاطری، لیلا و هاشمی، تورج. (۱۴۰۲). رابطه مهارت‌های ارتباطی و هوش هیجانی با صمیمیت زناشویی در کارکنان متأهل دانشگاه علوم پزشکی تبریز. *اولین کنگره ملی مطالعات علوم اعصاب و روان شناسی، انجمن ملی مغز و شناخت دانشگاه محقق اردبیلی، ۲۶ بهمن*.
- شاه نوش فروشانی، امیرحسین؛ جهانگیر پانته آ و باصری احمد. (۱۴۰۱). نقش میانجی گر هوش هیجانی در رابطه بین صفات شخصیت و ثبات ازدواج در مراجعه کنندگان به مراکز مشاوره خانواده شهر تهران. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۲۱، ۸۳۴-۸۱۷*.
- طاهری، مهسا. (۱۳۹۷). *رابطه هوش اجتماعی و رضایت زناشویی با خودباوری در زوجین شهر شیراز*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- ظریفی، مزده؛ زارعی، اقبال و نجارپوریان، سمانه. (۱۳۹۹). پیش بینی تعهد زناشویی براساس هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی با میانجیگری پردازش بین فردی. *فصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، ۸(۲)، ۵۲۳-۵۴۵*.

عیدی تراکمه، علی. (۱۳۹۸). *مقایسه سرسختی روانی، هوش اجتماعی و سبک‌های پردازش اطلاعات در افراد دارای تجربه طلاق و افراد بدون تجربه طلاق*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور مرکز تبریز.

قمری، مرضیه. (۱۳۹۴). *آزمون مدل هوش هیجانی با میانجی‌گری خوش بینی و صمیمیت بر کیفیت زندگی زناشویی کارمندان متأهل*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان.

کمایی، اعظم؛ خدادادی سنگده، جواد و گوهری پور، مرتضی. (۱۳۹۸). *شناسایی بسترهای فرهنگی - اجتماعی شکل‌دهنده رضایت از ازدواج. دوفصلنامه روانشناسی فرهنگی*، ۲(۱)، ۷۷-۹۹.

کریمی، لاله و جعفری، اصغر. (۱۴۰۰). *پیشبینی کیفیت زندگی زناشویی بر اساس عواطف مثبت و منفی با نقش میانجی شفقت خود و انعطاف‌پذیری شناختی در پرستاران بیماران کووید-۱۹. فصلنامه مدیریت پرستاری*، ۱۰(۴)، ۷۴-۶۱.

گل محمدیان، محسن. (۱۳۹۵). *تأثیرات آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر عملکرد خانوادگی زنان. فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۱۰(۳۴)، ۵۱-۶۹.

گل محمدیان، محسن؛ فرحبخش، کیومرث و اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۲). *اثر بخشی آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر ناسازگاری زناشویی زنان. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۳(۲)، ۲۰۹-۲۳۳.

نیکنام، ماندانا و تاج، طه. (۱۳۹۸). *پیش بینی ناپایداری ازدواج براساس متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی در یک جمعیت غیر بالینی از زنان. مجله مطالعات زن و خانواده*، ۷(۱)، ۹-۲۸.

هوشیار، پروانه؛ نظری، علی محمد؛ زهراکار، کیانوش و پورملک، محمد مهدی. (۱۳۹۴). *مقایسه کیفیت زندگی زناشویی زنان خانه دار و شاغل شهر تهران. مجله بین المللی روانشناسی و تحقیقات رفتاری*، ۴(۱)، ۵۳-۵۷.

یوسفی، ناصر. (۱۳۹۱). *بررسی شاخص‌های روان سنجی مقیاس‌های شیوه سنجش خانوادگی. مک مستراندازه گیری تربیتی*، ۳(۷)، ۸۳-۱۱۲.

Ahangar Darband N. (2022). Investigating the Relationship between emotional intelligence and marital satisfaction. *International journal of medical investigation*, 11(3), 121-133.

Anyamene, Ada. (2020). Relationship between emotional intelligence and marital satisfaction of male and female married teachers in Anambra state. *European journal of educational sciences*, 7(3), 1857-6036.

Camomoe PK, Ngari SM, Gichure P, Ndung'u EM, Esiu EM. (2020). The effect of emotional intelligence on marital quality in Kenya: A case of the Catholic Archdiocese of Nairobi, Kenya. *International academic journal of social sciences and education*, 2(2): 394-411

Cordova, J. V., Gee, C. G., & Warren, L. Z. (2015). Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 24, 218 - 235.

Farsole A & Soni P. (2023). Relationship between emotional intelligence and marital satisfaction. *International research journal of modernization in engineering technology and science*, 5(8), 2559-2562.

Gattis, K., Berns, S., & Simpson, L. (2004). Bird of feather or strange birds? The among personality dimensions, similarity and marital quality. *Journal of Family Psychology*, 18, 564-574.

Ghazvini M; khodabakhshi koolae A; Mansoor L & Khosh konesh A. (2016). The comparison of marital satisfaction and moral intelligence and its relationship with immoral commitment in men. *Journal of Pizhūhish dar dīn va salāmat*, 1(4), 12-19.

Kemjika O.G; Onukwufor J.N & Chindah G.O. (2020). Social intelligence and personality traits as correlates of marital satisfaction in rivers state. *A Journal of Development*, 2(6), 130-146.

Komborska M., Zmaczyńska B & Rogowska A. (2019). Emotional intelligence and marital communication among married couples at different stages of marriage. *Hellenic Journal of Psychology*, 16(3), 288-312.

Obiemeka, E N; Ugoji, F N & Agboola, J O . (2022). The Relationship between Social Intelligence and Marital Harmony among Married Catholics in Edo and Delta States, Nigeria. *International Journal of Research and Innovation in Social Science (IJRISS)*, 4(3), 176-181.

- Salovey, P & Mayer, J.D. (1990). *Emotional intelligence. Imagination, Cognition and Personality*, 9, 185-211.
- Smith, L., Ciarrochi, J., & Heaven, C. L. (2008). The stability and change of trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction: A one year longitudinal study. *Personality and Individual Differences*, 45(8), 738-743.
- Tan, J.(2004). *Cultural Intelligence and the global economy. LIA*, 24(5), 19-21.
- Zeidner, M., Kloda, I., & Matthews, G. (2013). Does dyadic coping mediate the relationship between emotional intelligence (EI) and marital quality? *Journal of Family Psychology*, 27(5), 795-805.